

Journal of Comparative Literature  
Faculty of Literature and Humanities  
Shahid Bahonar University of Kerman  
Year 10, No 19, autumn / Winter 2018-2019  
**A Comparative Study of Apocalyptic Concepts in  
Ahmad.Shamloo's «Journey»  
and William Butler Yeats's «The Second Coming»**  
(Scholarly-Research)

**Moslem Zolfagharkhani<sup>1</sup>**

**Abstract**

Apocalyptic literature appeared to disclose human's anxieties in a complicated world. The present study aims at indicating roots of such a literature and displaying the so called Apocalyptic poetry at the Modern age. Hence, this study, while emphasizing American school of Comparative Literature, focuses on two patterns: one is genres and forms, and the other is motifs and types. It is attempted to reveal how Ahmad Shamloo (1925-2000) and William Butler Yeats (1865-1939) came across such a genre in their poetry, and what were their major attitudes toward it. Apocalyptic issues and concepts are various, but this study wished to concentrate on the most distinguished ones in Ahmad Shamloo's «Journey» and William Butler Yeats's «The Second Coming»; they are: revelation and poetic contemplation; prevision and exhortation; millennium and end of history; rough language. The results indicate that both poets were familiar with this genre, and far from being influenced or putting influences on each other, the motifs of Apocalyptic literature were strongly present in their selected poems.

**Key terms: Ahmad Shamloo, William Butler Yeats, Apocalyptic Literature, The New Poem, Modernism.**

---

<sup>1</sup> - Assistant Professor of English Language and Literature, Hakim sabzevari University: moslemzolfagharkhani@gmail.com

نشریه ادبیات تطبیقی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۱۰، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

بررسی تطبیقی مؤلفه‌های ادبیات آپوکالیپسی (آخرالزمانی) در «سفر» احمد شاملو  
و «بازگشت دیگر» ویلیام باتلر یتس  
(علمی-پژوهشی)

مسلم ذوالفقارخانی<sup>۱</sup>

#### چکیده

ادبیات آپوکالیپسی (Apocalyptic Literature) یا آخرالزمانی، گونه‌ای از ادبیات هشداردهنده و شهودآمیز است که به انحاء مختلف در آثار معاصرین ظهور کرده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مکتب آمریکایی در ادبیات تطبیقی، درصدد بررسی این گونه ادبی در ادبیات جهان، و نیز سنجش و قیاس درون‌مایه‌های به‌کاررفته در شعر «سفر» احمد شاملو (۱۳۷۹-۱۳۰۴ ش) و شعر «بازگشت دیگر» ویلیام باتلر یتس (۱۳۱۷-۱۲۴۴ ش؛ ۱۹۳۹-۱۸۶۵ م) می‌باشد. الگوی به‌کاررفته در این تحقیق، گونه‌شناسی و بررسی ژانر، و نیز تحلیل درون‌مایه‌های مشترک در آثار این دو شاعر می‌باشد تا نحوه پرداخت و نگرش شاملو و یتس به آخرالزمان و پایان هزاره روشن گردد. لذا از میان انبوه مؤلفه‌ها و درون‌مایه‌های مرتبط با این ژانر ادبی، بررسی تطبیقی مضامینی چون مکاشفه و اندریافت شاعرانه، پیش‌گویی و هشدار، هزاره‌گرایی و پایان تاریخ، و خشونت زبانی در اشعار «سفر» شاملو و «بازگشت دیگر» یتس، برگزیده شده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هر دو شاعر با این گونه ادبی کاملاً آشنا بوده‌اند و فارغ از تأثیر و تأثر مستقیم از یکدیگر، درون‌مایه‌ها و مؤلفه‌های ادبیات آپوکالیپسی در آثار منتخب هر دو شاعر برجسته و قابل قیاس می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** احمد شاملو، ویلیام باتلر یتس، ادبیات آپوکالیپسی (آخرالزمانی)، شعر نو، مُدرنیزم.

<sup>۱</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه حکیم سبزواری: moslemzolfagharkhani@gmail.com

## ۱- مقدمه

آپوکالیپس (Apocalypse) یا آخرالزمان، مضمونی است که گستره آن تا گذشته‌های دور امتداد می‌یابد. این باور، در بسیاری از ادیان توحیدی جایگاه منحصر به فردی دارد و دین‌هایی چون زردشت، یهود، مسیحیت و نیز اسلام فصل‌های مهمی از مباحث خود را بدان اختصاص داده‌اند. (ر.ک: راشد محصل، ۱۳۶۴: ۲۴۹-۲۵۷؛ وهمن، ۱۳۷۸: ۵۸۶-۵۹۳؛ سلیمیان، ۱۳۸۱: ۷۱-۷۹؛ آصف آگاه، ۱۳۸۶: ۱۶۳-۱۸۰؛ رسول‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۷-۹۶؛ برنجکار، ۱۳۸۹: ۹۵-۱۳۱) به گفته جان بی. ناس «دین زردشتی، نخستین مذهبی است که در جهان از مسئله حیات عقبی و مسئله قیامت سخن به میان آورده و مسئله آخرالزمان را به مفهوم کامل خود طرح کرده است.» (ناس، ۱۳۷۳: ۴۶۳-۴۶۴) آخرالزمان یا پایان جهان، هم در متون دینی و هم در متون غیردینی نمود قابل توجهی داشته است. می‌توان مطالعات در حوزه آخرالزمان را در سه بخش متصور بود:

الف. مباحث اسطوره‌شناسی و فرهنگی آپوکالیپس؛

ب. مباحث دینی و الهی آپوکالیپس؛

ج. مباحث علمی و ناسوتی آپوکالیپس.

مباحث اسطوره‌شناسی و فرهنگی آپوکالیپس، به باورهای رستاخیزی در اساطیر ملل، تولد، مرگ، جاودانگی، تناسخ و مفاهیمی از این دست می‌پردازد. مباحث الهی و دینی آپوکالیپس در قلمرو ادیان و مذاهب، به تشریح هدف غایی دنیا و فرجام انسان نظر می‌افکند. آخرت‌شناسی (Eschatology)، به عنوان یکی از محورهای اصلی مباحث دینی، پاسخ به حقیقت زندگانی و آینده بشر و زندگی وی بعد از مرگ را جست‌وجو می‌کند. مباحث علمی و غیردینی در حوزه آپوکالیپس، با تکیه بر علوم زمین‌شناسی و فیزیک سعی در ریشه‌یابی و توجیه جهان مادی، بررسی علل پیدایش آن و پیش‌بینی سرنوشت این دنیا دارد. فرضیه‌های علمی گوناگونی در این خصوص ارائه شده است. (ر.ک: محمدزاده صدیق، ۱۳۵۶: ۱۱-۳۸؛ تالبوت، ۱۳۹۲: ۴۱-۵۸)

پژوهش حاضر با تکیه بر مکتب آمریکایی که بر التقاط‌گرایی (eclecticism) و سازگاری (tolerance) در مطالعات ادبی-تطبیقی تاکید می‌کند (Jost, 1974: 26) و

تأثیر و تأثر را یگانه‌الگوی مطالعات تطبیقی نمی‌داند، به بررسی دو اثر ادبی از دو زبان و ادبیات مختلف پرداخته‌است. مقایسه و سنجش ادبی در این مکتب، بر چهار الگو استوار است:

۱. بررسی تأثیر و تأثر و فراسنجی (influences and analogies).

۲. بررسی جنبش‌ها و گرایش‌ها (movements and trends).

۳. بررسی گونه‌های ادبی و ژانرها (genres and forms).

۴. بررسی درون‌مایه‌ها و طرح‌ها (motifs and types). (Jost, 1974: 33)

ادبیات آپوکالیپسی، گونه‌ای شناخته شده در ادبیات جهان است که دارای اشتراکات و تشابهات فراوانی، چه از نظر شکل و چه از نظر محتواست. این نوع ادبی در خود درون‌مایه‌ها و طرح‌هایی را برجای گذاشته که قابلیت قیاس و سنجش در آثار ادبی گوناگون را دارد. این تحقیق، با بهره‌گیری از نوع سوم و چهارم الگوهای مذکور (بررسی گونه‌های ادبی و بررسی درون‌مایه‌ها)، هم بر شناخت و تشریح این گونه ادبی تأکید دارد و هم به بررسی درون‌مایه‌های (motifs) اصلی آن در آثار شعری احمد شاملو و ویلیام باتلر ییتس پرداخته‌است.

برخی از دلایل انتخاب احمد شاملو و ویلیام باتلر ییتس و بررسی ادبیات آپوکالیپسی در دو شعر «سفر» و «بازگشت دیگر» عبارت‌اند از: ۱. هر دو شاعر تجربیاتی مشترک در باب انسان قرن بیستم داشته‌اند (ییتس بخشی از عمر خود را در قرن نوزدهم و عصر ویکتوریا و بخش دیگری را در قرن بیستم گذراند)؛ ۲. جنگ جهانی به‌عنوان سیاه‌ترین واقعه قرن بر آنها اثر گذاشته‌است (هم‌زمانی جنگ جهانی اول با حیات ییتس و جنگ جهانی دوم با زندگانی شاملو)؛ ۳. انقلاب صنعتی و آثار آن بر شعر و اندیشه هر دو شاعر تأثیرگذار بوده‌است (در دوره ویکتوریا این تحوّل اجتماعی - فرهنگی به اوج رسید و در قرن بیستم، جنگ‌های جهانی نقطه عطف این تحولات بود)؛ ۴. حوادث مربوط به ایرلند و کشمکش‌های آن با دولت انگلستان برای ییتس و نیز کودتای ۲۸ مردادماه ایران برای شاملو، دست‌مایه اندیشه و تفکری ژرف و نقّادانه گردید؛ ۵. گذار از جامعه و بافت سنتی به

اجتماع مدرن، دغدغه هر دو شاعر بوده است؛ ۶. نزدیکی فکر و اندیشه و نیز دلواپسی های اجتماعی - فرهنگی هر دو شاعر قابل توجه است.

شماری از مؤلفه های ادبیات آپوکالیپسی در شعر «مسافر» از دفتر «قنوس در باران» (۱۳۴۵-۱۳۴۴ ش) اثر احمد شاملو و نیز در شعر «بازگشت دیگر» از دفتر «مایکل روبرتز و رقص» (۱۹۲۱ م) سروده ویلیام باتلر ییتس در سایه ویژگی های مذکور قابل تأمل و دست یافتنی است. از آنجا که مؤلفه ها و عناصر معنایی و زبانی ادبیات آپوکالیپسی متعدد و گوناگون هستند (نظیر منجی و موعود، علائم ظهور، پیشامد و فاجعه نزدیک، خشونت زبانی، مکاشفه شاعرانه، هزاره گرایی، رؤیاگونگی، پیشگویی، پایان تاریخ، سمبول ها و رموز، مولود شیطان، هشدار و حذر و ...)، پژوهش حاضر با تکیه بر چهار مؤلفه که باز نمود بیشتری در دو سروده ویلیام باتلر ییتس و احمد شاملو دارند، به بررسی زبان و محتوای آپوکالیپسی این دو متن می پردازد. مؤلفه های مورد نظر عبارت اند از: ۱. مکاشفه و اندریافت شاعرانه ۲. پیشگویی و هشدار ۳. هزاره گرایی و پایان تاریخ ۴. خشونت زبانی.

### ۱-۱- پیشینه پژوهش

به نظر می رسد پژوهش و ترجمه در باب مؤلفه های آخرالزمانی در آثار ادبی - هنری معاصرین، از استقبال محدودی برخوردار بوده است. در این خصوص می توان به مقاله «مکاشفه های پیشگویانه (Apocalyptic) هشت کتاب سپهری» (گرچی، ۱۳۸۴: ۶۵-۸۴)، «ویلیام بلیک شاعر و نقاش رسالت و پیشگویی» (سعیدپور، ۱۳۷۵: ۵۶۷-۵۷۰)، «پنداره پایان: آخرالزمان های ناسوتی در فیلم های اخیر هالیوودی» (استوال، ۱۳۸۵: ۱۱۶-۱۲۵) و «آخرالزمان به روایت ویلیام بلیک» (گوزال، ۱۳۷۴: ۱۹۷-۲۰۰) اشاره نمود.

### ۲- مرور نظری پژوهش

ادبیات آپوکالیپسی از سه منظر مورد توجه نظریه پردازان این حوزه قرار گرفته است: ۱. ادبیاتی که در آن هم فرم (شکل) و هم محتوا (درون مایه) به آپوکالیپس (آخرالزمان و شهود آن) پرداخته باشد؛ ۲. ادبیاتی که تکیه بر فرم دارد و در آن تأکید بر پیوند مستقیم با عالم غیب و شهود است؛ ۳. ادبیاتی که مضامین آپوکالیپسی در آن جاری باشد، به گونه ای که هم مضمون کشف در آن دیده شود و هم اشاره به زوال و ازهم پاشیدگی در آن مشاهده

گردد. (Collins, 2014: 5) روش کار در این مقاله از نوع سوم است؛ یعنی از یک سو، به شهود و کشف شاعرانه اشاره می‌شود و از سوی دیگر، به کلام و لحن پیش‌گویانه و ویلیام باتلر ییتس و احمد شاملو که به شکل پیامبرگونه‌ای از هم‌گسیختگی و اضمحلال وضع موجود را گوشزد می‌کنند، پرداخته می‌شود.

پرسش‌های اصلی در این پژوهش، این است که نوع ادبی آپوکالیپس یا آخرالزمانی، به‌عنوان ژانری شناخته‌شده و جهانی، چگونه شاعران ایرانی و انگلیسی را به خود مشغول ساخته‌است؟ نحوهٔ رویارویی احمد شاملو و ویلیام باتلر ییتس با این ژانر ادبی چگونه بوده‌است؟ و شیوه‌ها و موتیف‌های (motifs) آپوکالیپسی به‌کاررفته در اشعار ایشان، تا چه میزان نزدیک و همسوست.

### ۳- بحث و بررسی

احمد شاملو، متولد سوم آذرماه ۱۳۰۴ خورشیدی و متوفی دوم مردادماه ۱۳۷۹ خورشیدی، همراه با نیما یوشیج (۱۳۳۸-۱۲۷۴ ش)، فروغ فرخزاد (۱۳۴۵-۱۳۱۳ ش)، مهدی اخوان ثالث (۱۳۶۹-۱۳۰۷ ش) و سهراب سپهری (۱۳۵۹-۱۳۰۷ ش)، از پیشگامان شعر نو فارسی به‌شمار می‌آید. شاملو را عمدتاً به‌عنوان پدر سبکی از شعر معاصر می‌دانند که از حیث کاربرد زبانی و اشکال هنجارگریزی، تا آن زمان بی‌سابقه و کم‌نظیر بوده‌است. (ر.ک: حقوقی، ۱۳۹۲: ۵-۴۶؛ یخدان‌ساز، ۱۳۹۳: ۱۰۵-۱۲۲؛ اکبری بیرق، ۱۳۹۱: ۴۳-۶۶) نوآوری و هنجارشکنی شاملو تنها محدود به زبان و شکل کاربردی آن نمی‌شود بلکه در حوزهٔ معنا، فلسفه‌اندیشی و مضامین مُدرن، وی بی‌شک از پیشروان شعر نو فارسی تلقی می‌شود. (ر.ک: علایی، ۱۳۸۷: ۱۲۳-۱۳۱؛ محمدی، ۱۳۹۲: ۱۰۵-۱۲۸؛ پیامی، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۸) از آن‌سوی، ویلیام باتلر ییتس (William Butler Yeats)، متولد ۱۳ ژوئن ۱۸۶۵ میلادی (برابر با ۲۳ خردادماه ۱۲۴۴ خورشیدی) و متوفی ۲۸ ژانویه ۱۹۳۹ میلادی (برابر با ۸ بهمن ماه ۱۳۱۷ خورشیدی)، در زمرهٔ ادبا و شاعران ایرلندی‌تبار ادبیات قرن بیستم انگلستان و برندهٔ جایزهٔ ادبی نوبل در سال ۱۹۲۳ است. ییتس همراه با مارسل پروست (۱۹۲۲-۱۸۷۱ م)، توماس مان (۱۹۵۵-۱۸۷۵ م)، جیمز جویس (۱۹۴۱-۱۸۸۲ م)، فرانتس

کافکا (۱۹۲۴-۱۸۸۳ م)، ازرا پاند (۱۹۷۲-۱۸۸۵ م) و تی. اس. الیوت (۱۹۶۵-۱۸۸۸ م)، در شمار بنیان‌گذاران ادبیات مدرن به حساب می‌آیند. (Ross, 2009: 3)

شعر «مسافر» از دفتر «ققنوس در باران» اثر احمد شاملو و نیز شعر «بازگشت دیگر» (The Second Coming) از دفتر «مایکل روبرتز و رقص» (Michael Robartes and the Dancer) سروده ویلیام باتلر ییتس، از حیث مضامین آخرالزمانی و ادبیات آپوکالیپسی تشابهات و اشتراکات منحصربه‌فردی دارند. در ذیل ترجمه شعر ویلیام باتلر ییتس و در پی آن (به دلیل طولانی بودن متن شعر شاملو) ابتدای شعر «مسافر» احمد شاملو می‌آید.

«بازگشت دیگر»

می‌چرخد و می‌چرخد و در چرخش بیکران / باز، بر فراز آسمان، دیگر صدای بازبان را هم نمی‌شنود؛ / همه چیز درهم فرومی‌ریزد؛ دیگر جهان را استواری نیست، / گویی آشفتنگی، سایه بر جهان افکنده، /

و امواج تیره خون بر ضیافت پاکان می‌تازد؛ / نیک‌سرشتان را آیین، بر باد رفته و / بدکاران را اشتیاق، دوچندان. / اینک ظهوری است در پیش که می‌آید، / بازگشتی دیگر، / آری، بازگشتی دیگر و هنوز کلام منعقد نشده، روح جهان سر برون می‌آورد و / جلوه نورافشانش دیده‌ها را تار می‌کند: / جایی میان ماسه‌های دشت بیکران، / موجودی به صورت انسان و پیکر شیر، / و چشمانی خیره، بی‌وقار و بی‌رحم، / تن خویش را بر زمین می‌کشانند و / بر فرازش پرندگان دشت، خشم‌آلود و آزرده می‌چرخند. / تاریکی، خیمه بر زمین می‌افکند / و اینک نیک می‌دانم که دوهزار سال خواب سنگین، / کابوسی خواهد شد / و با تکانه گهواره‌ای، / آن مولود شیطانی از خواب گران برمی‌خیزد و / افتان و خیزان ره بیت‌اللحم را در پیش می‌گیرد. (Yeats, 2009: 186-187)

«سفر»

خدای را / مسجد من کجاست / ای ناخدای من؟  
در کدامین جزیره آن آبگیر ایمن است / که راهش  
از هفت دریای بی‌زنهار می‌گذرد؟

□

از تنگایی پیچ‌پیچ گذشتیم / با نخستین شام / سفر، / که مزرع سبز آبگینه بود... (شاملو، ۱۳۷۲: ۹-۱۲)

همان‌گونه که ذکر شد، مؤلفه‌هایی که در شعرهای «سفر» و «بازگشت دیگر» قابل شناسایی و بررسی هستند، عبارت‌اند از: ۱. مکاشفه و اندریافت شاعرانه، ۲. پیشگویی و هشدار، ۳. هزاره‌گرایی و پایان تاریخ، ۴. خشونت زبانی.

### ۳-۱- مکاشفه و اندریافت شاعرانه

اینکه شاعر مخلوقی پری‌زده و در اسارت نیرو یا الهه‌ای مافوق‌زمینی است، یا اینکه شعر الهامی مینوی و ماورایی است، سابقه تاریخی درازی تا عصر افلاطون، فیلسوف شهیر یونان، دارد. افلاطون در کتاب «ایون» و نیز بخش دهم کتاب «جمهوری»، به شرح دیدگاهش در باب الهام شاعرانه و مکاشفه شاعران و راویان می‌پردازد. (ر.ک: دیجز، ۱۳۷۳: ۳۱-۵۱؛ افلاطون، ۱۳۹۳: ۹۱-۱۰۹) همچنین در طول تاریخ، شاعران هر کدام مطابق با ذوق و سلیقه خود و نیز فراخور حال خویش به بیان شوریدگی‌های شاعرانه و نیز الهامات فرازمینی پرداخته‌اند. ویلیام شکسپیر، دیوانه و عاشق و شاعر را در یک ترازو می‌گذارد و آنها را اهل تخیل می‌نامد. (Shakespeare, 2003 or 1600: 124) رابطه شاعر با کشف و شهود، رابطه‌ای است که اساس یک کیهان‌ناسوتی-لاهوئی را تشکیل می‌دهد؛ «مکاشفه در نگاه فراگیر و در زمینه و مسائل هنری و در متون کتب مقدس و دینی-مذهبی، به معنای حالت ویژه‌ای است که بین دو سوی عالم (جنبه ناسوتی با وجه ملکوتی آن) برقرار می‌شود.» (گرچی، ۱۳۸۴: ۶۶)

اشاره به مکاشفات شاعرانه و این که شاعر شعری را بر اثر وحی، ندا یا اشارت سروشی سروده‌باشد، عمدتاً جنبه متافیزیک و عرفانی دارد. به عبارت دیگر، نگاه به مقوله مکاشفه شاعرانه، از یک سو جنبه عام دارد و از سوی دیگر، جنبه خاص. آنجا که فیلسوف معرفت‌شناسی چون افلاطون شاعران را ابزار دست الهه‌گان دانسته و حکم کلی صادر می‌کند، در واقع به مقوله شعر و شاعری، نگاهی فلسفی، معرفت‌شناسانه و کلی دارد. حال آنکه وقتی شعر یا متنی به‌طور خاص از زبان و مؤلفه‌های مکاشفه‌آمیزی برخوردار باشد، می‌توان آن را جنبه خاص مکاشفه در متون ادبی دانست. بنابراین، هر دو شعر بیتس



و شاملو، نمونه‌های برجسته‌ای از مکاشفه و اندریافت شاعرانه هستند که در مقوله دوم، یعنی جنبه خاص اشعار مکاشفه‌آمیز قرار می‌گیرند. کشف و مکاشفه در این دو متن، از دو منظر قابل بررسی است. نخست اینکه فضای شعرها مبهم و تیره است و دیگر اینکه زبان آنها رمزآمیز و رؤیاگونه به نظر می‌آیند، به نحوی که خواننده را میان دنیایی تاریک و غبارآلود معلّق نگه می‌دارند. گویی مکاشفه‌ها در فضای میان خواب و بیداری شکل گرفته‌اند. متن چندپاره و تکه‌تکه شاملو، خواننده را با خود به سفری رؤیاگونه و خیالی می‌برد. در «سفر» شاملو، شمار این تکه‌ها و جزءها به نُه عدد می‌رسد اما در شعر «بازگشت دیگر» بیتس، متن به‌طور پیوسته و بدون هیچ حسّ چندپارگی، تنها در دو استانزا (بند) سروده شده‌است. از این رو، می‌توان گفت که از حیث لحن و کلام، شعر شاملو شکل رؤیاگونه‌تری نسبت به شعر بیتس دارد و خواننده را در فضای میان واقعیت و رؤیا به حرکت وامی‌دارد. شاملو می‌گوید:

و کشتی / با سنگینی سیالش، / با غزاغز دکل‌های بلند / که از بار غرور بادبان‌ها پست می‌شد / در گذار از دیوارهای پوک پیچان / به کابوسی می‌مانست / که در تپی سنگین / می‌گذرد. (شاملو، ۱۳۷۲: ۱۴)

اشاره به کابوس در این بخش از شعر، خود بر رؤیاگونه‌گی متن می‌افزاید. همچنین، ترکیب «تپی سنگین» می‌تواند اشاره‌ای به ارتباط میان رؤیا و تب و نیز از خودبی‌خودی و جنون داشته‌باشد. از این منظر، می‌توان گفت که شعر شاملو، همچون شعر «قوبلای خان» ساموئل تیلر کلریج (۱۸۳۴-۱۷۷۲ م)، شاعر رمانتیک انگلیسی، پاره‌پاره (Fragmentary) است و ساختار یک رؤیا را به خود گرفته‌است. علاوه‌براین، چیدمان و آرایش مصرع‌ها به گونه‌ای است که هم شکل تلاطم امواج و خیزاب‌های این سفر دریایی را در ذهن خواننده متبادر می‌کند و هم صورت یک رؤیای موج و سیال (سنگینی سیالش) را به خود گرفته‌است:

آن‌گاه به دریایی جوشان در آمدیم  
با گرداب‌های هول  
و خر‌سنگ‌های تفته

## که خیزاب‌ها

بر آن

می‌جوئید. (شاملو، ۱۳۷۲: ۱۲)

شکل‌واره شعر بیتس، همان‌گونه که ذکر شد، این ویژگی را ندارد اما از حیث پیشگویی و زبان هشدارآمیز و حذرگونه‌اش، صورتی از یک شهود و اندریافت را نمایان می‌سازد:

اینک ظهوری است در پیش که می‌آید / بازگشتی دیگر / آری، بازگشتی دیگر و این، چه سخت است تا بر زبان آری! (Yeats, 2009: 186-187)

شاعر با زبانی پیامبرگونه و رازآلود، با تأکید بر اینکه حادثه‌ای دهشتناک در پیش است، سر از سرّی پنهان می‌گشاید و با لحنی آمیخته با ترس و دلواپسی، از آینده‌ای شوم خبر می‌دهد. بیتس درعین حال با اشاره به غفلت و خواب‌آلودگی بشر، از کابوسی تلخ و نابه‌نگام یاد می‌کند:

و اینک نیک می‌دانم که دوهزار سال خواب سنگین، کابوسی خواهد شد. (همان)

اشاره به خواب و کابوس، نه تنها بر بار معنایی شعر و اشارت‌های دلهره‌آور آن می‌افزاید بلکه تعبیری رؤیامحور است از دنیایی که از نگاه شاعر «نیک‌سرشتان را آیین، بر باد رفته و / بدکاران را اشتیاق، دو چندان» (همان) در مجموع می‌توان اذعان کرد که هر دو شاعر، تحت تأثیر حسّی خاص و کشفی درونی، شعرها را سروده‌اند و اگر انتظار نرود که این الهام از رؤیا یا ادراکی منحصربه‌فرد ناشی شده باشد، می‌توان پذیرفت که زبان و فضای شعرها، حکایت از پنداشتی اندرونی و برداشتی مُکاشفه‌آمیز دارند. شاید این اندریافت، آنها را واداشته تا به پیشگویی و هشدار نسبت به فرجامی موهوم مبادرت نمایند.

## ۳-۲- پیش‌گویی و هشدار

هشدار نسبت به وضع موجود، ترس از آینده و فرجام‌گریزی، در بسیاری از اشعار و آثار شاعران معاصر دیده می‌شود. زبانی این‌چنین، حکایت از تشویش، اضطراب و دلواپسی انسان معاصر در قرن پیچیده و شتاب‌زده دارد. چنین زبانی نه تنها در اشعار شاعرانی چون

فروغ فرخزاد و سهراب سپهری به چشم می‌خورد (نک. گرجی، ۱۳۸۴: ۶۵-۸۴؛ حیدریان شهری، ۱۳۹۲: ۵۹-۸۳) بلکه در میان شاعران غربی نظیر ویلیام بلیک (۱۸۲۷-۱۷۵۷ م) و دیلن تاماس (۱۹۵۳-۱۹۱۴ م) نیز به وضوح دیده می‌شود. (نک. گوژوال، ۱۳۷۴: ۱۹۷-۲۰۰؛ سعیدپور، ۱۳۷۵: ۵۶۷-۵۷۰) ترس از آینده و سرنوشت جهان، همواره بخشی از ذهن بشر را به خود مشغول ساخته است و چنین مشغله‌ای نیز از نگاه شاعران که آئینه روزگار خویش و برآیند تفکر و اندیشه جامعه‌اند، دور نمانده است. در ادبیات انگلیسی، نام دیلن تاماس در زمره «آخرالزمانیان نُوین» و در کنار نام‌هایی چون آلکس کامفورت (۲۰۰۰-۱۹۲۰ م)، دورین کوک (۲۰۰۵-۱۹۱۶ م)، رابرت گریسن (۲۰۰۸-۱۹۲۰ م)، نیکلاس مور (۱۹۸۶-۱۹۱۸ م)، فیلیپ اُکانر (۱۹۹۸-۱۹۱۶ م) و تام اسکات (۱۹۹۵-۱۹۱۸ م) قرار گرفته است. این دسته از شاعران که در دهه ۱۹۴۰ میلادی در کشور بریتانیا (شامل اسکاتلند و انگلستان) ظهور کردند، در گلچینی ادبی با عنوان «آخرالزمانیان نُوین» (۱۹۳۹) به کوشش جی. اف. هندری و هنری تریس معرفی شدند. دیلن تاماس جوان با سروده «آن هنگام که خورشیدی نیست تا درخشد، نورها می‌تابند» بر سر زبان‌ها افتاد تا در قامت شاعری تمام‌عیار، نقش خود را به‌عنوان شاعری آپوکالیپسی رقم زند:

آن هنگام که خورشیدی نیست تا درخشد، نورها می‌تابند / آن هنگام که دریایی نمی‌جوشد، تلالؤ امواج در میان قلب‌ها می‌خرامد / و مردگان درهم شکسته، گویی کرم شبتاب در سرهاشان لانه کرده / بر کرانه‌های استخوان‌هاشان نورها چون پیکری از جسم می‌آرامند. (Thomas, 2012: 94)

ویلیام باتلر ییتس، مقدم بر این دسته از شاعران بوده است و شاید بتوان تأثیر وی را بر آنها مسلم و قطعی دانست. ییتس با عمری دراز، توانست سرعت و شتاب جامعه صنعتی و تحولات دوران را از عصر ویکتوریا ببیند و نیز ورود به قرن جدید، یعنی قرن بیستم، از تجربیات ارزنده این شاعر بود تا گذر از قرنی به قرن دیگر را با تمام وجود حس کند. مرثیه «بازگشت دیگر» در ادبیات انگلیسی، یکی از مطرح‌ترین هشدارهای شعری به حساب می‌آید. شاعر با زبانی عتاب‌گونه می‌گوید:

همه چیز در هم فرومی‌ریزد؛ دیگر جهان را استواری نیست / گویی آشفتنگی، سایه بر جهان افکنده. (Yeats, 2009: 186-187)

و در ادامه با ارائه تصویری از موجودی دهشتناک، هشدار می‌دهد:

تاریکی خیمه بر زمین می‌افکند. (همان)

در قیاس با «سفر» احمد شاملو، بایستی اذعان کرد که لحن و زبان بیتس در شعر «بازگشت دیگر» هشدارآمیزتر و پیشگویانه‌تر است. تصویرها به گونه‌ای کنار هم چیده شده‌اند که خواننده در فضایی از تردید و ترس غوطه‌ور می‌شود و سرنوشتی شوم را انتظار می‌کشد. در شعر شاملو اما حوادث به اوج خود رسیده‌است و خواننده در میان دریای سرگشتگی و اوهام، بلا تکلیف و بُهت‌زده است:

و تو به چربدستی / کشتی را / بر دریای دمه‌خیز جوشان / می‌گذرانیدی. (شاملو، ۱۳۷۲: ۱۴)  
انگار که خواننده هم سوار بر عرشه این کشتی مرگ، راهی بی‌نشان و غبارآلود را طی می‌کند و از فرجام این سفر طوفانی و مرموز آگاه نیست:

ما به سختی در هوای گنبدیده طاعونی دم می‌زدیم و / عرق‌ریزان / در تلاشی نومیدانه / پارو می‌کشیدیم / بر پهنه خاموش دریای پوسیده / که سراسر / پوشیده ز اجساد است / که چشمان ایشان / هنوز / از وحشت توفان بزرگ / برگشاده است. (همان: ۱۱)

شاعر با صحنه‌سازی از دریای پوسیده، گویی ما را به عمق اساطیری جهان مردگان برده‌است؛ آنجا که گذر از رودخانه استیکس (Styx)، تنها معبر دهشتناک مردگان، راه خلاصی ارواح سرگردانی است که دل به ساحلی امن سپرده‌اند. در اساطیر یونان باستان، این خارن (Charon) قایقران پُرطمع است که ارواح را از معبر جهان زیرین (مردگان) می‌گذراند و آنهایی را که سکه‌ای به او ندهند، بر آب‌های باتلاقی و تیره‌گون رودخانه می‌افکند اما در شعر شاملو، این عشق است که گویی سگان کشتی را در چنگ گرفته و کورسوی امیدی در دل مسافران افکنده‌است:

اینک دریای ابرهاست... / اگر عشق نیست / هرگز هیچ آدمی زاده را / تاب سفری این چنین / نیست! (همان: ۱۲-۱۳)

شاعر رمانتیک انگلستان، ساموئل تیلر کلریج (۱۸۳۴-۱۷۷۲ م)، در شعر جاودانه‌اش با عنوان «سرود دریانورد کهنسال» نیز با بهره از صحنه دریا و کشتی و نیز کشتی مردگان که سواران آن اسکلت‌هایی بیش نیستند، در فضایی ایستا و راکد و همچنین کابوس‌گونه و تب‌دار، مسافران را در بازی میان مرگ و زندگی بدترازمرگ، به قمار می‌گذارد. لذا شاملو، همچون شاعران رمانتیک انگلستان، با زبانی نمادین دست به جست‌وجویی خلسه‌وار در اعماق تاریک هستی و درون خود می‌زند:

شاعر رمانتیک، شاعر خلسه‌ها و سرمستی‌های عارفانه است. شاعری با قدرت ذهنی فرازمینی که رؤیاها و خواب‌هایش سرشار از الهامات آسمانی است. گاه مانند بلیک، فرشتگانی را می‌بیند که در شاخ و برگ درختان به پرواز در می‌آیند، گاه همچون کلریج شعرش تعبیری از خواب‌ها می‌گردد. خواب که از فردی‌ترین تجربیات انسانی است، فرصتی می‌شود تا شاعر رمانتیک با آن به اعماق ناخودآگاه خویش پی برد. جست‌وجو در اعماق روح، در تاریک‌ترین لایه‌های ذهن، و سیروسلوک در این زوایای پنهان، شاعر رمانتیک را به مسافری مبدل می‌سازد که یگانه اولیس سفرهای طول‌ودراز ذهن خود می‌گردد. (ذوالفقارخانی، ۱۳۹۳: ۱۳)

شاملو در شعرش می‌گوید:

و کشتی ... / در گذار از دیوارهای پوک پیچان / به کابوسی می‌مانست / که در تپی سنگین / می‌گذرد. (همان: ۱۵)

اما همان‌گونه که اشاره شد، در شعر بیتس، شاعر بر ترسیم آینده‌ای مبهم اصرار دارد و پیشگویی و هشدار، رنگ بیشتری به خود گرفته‌است و ترس حاصل از این هشدار ابهام‌آمیز، چه بسا دلهره‌آورتر از آزمایش (Quest) سختی است که قهرمانان سفرهای دوزخی و جهان‌زیرین، همچون دانتته در «کمدی الهی» (۱۳۲۰ م) و یا هرکول در اساطیر یونان، از سر می‌گذرانند. بنابراین، شعر «بازگشت دیگر» هم از حیث زبانی و هم از بُعد مفهومی، پیشگویانه‌تر و هشدارآمیزتر از شعر «سفر» احمد شاملو به نظر می‌آید.

### ۳-۳- هزاره‌گرایی و پایان تاریخ

همان‌گونه که در مقدمه به اجمال اشاره شد، بنیان فکری پایان تاریخ، موعودباوری و هزاره‌گرایی در میان ایرانیان و در دین باستانی زردشتی، نسبت به دیگر ادیان سامی، جایگاه قابل توجهی داشته‌است. لذا می‌توان اذعان داشت که مضامین آپوکالیپسی و بهشت و دوزخ، اول بار به‌طور کامل در این دین معرفی شده و بسط یافته‌است. (ر.ک: ناس، ۱۳۷۳: ۴۶۳-۴۶۴) هزاره‌گرایی و پایان تاریخ، ریشه در ترس و نگرانی آدمی در اعصار گوناگون حیات بشری دارد که بازتاب آن در متون دینی و در پی آن متون ادبی، قابل توجه است. ریشه این ترس، خود به وقایع تاریخی از جمله جنگ‌ها، خون‌ریزی‌ها، انقلاب‌ها، سردرگمی‌های فلسفی و بحران‌های فکری برمی‌گردد. هرگاه بشر در زندگانی خویش میان طوفان یأس و نومیدی سرگردان و مستأصل گشته، همواره در پی سگان نجاتی و وسیله هدایتی در آینده بوده‌است. موعود، بخشی از این ناخودآگاه بشری، قهرمانی بوده که دنیای سراسر تاریک و ماتم‌زده را نجات داده و بار دیگر، ساحل امنی را به نوع بشر نشان داده‌است.

هزاره از کلمه «Millennium» لاتین گرفته شده و عمدتاً در فرهنگ غربی برای تفسیر باب بیستم از کتاب «مکاشفه یوحنا» به کاررفته‌است اما برای هزاره‌گرایی بایستی دو مفهوم دینی و غیردینی قائل شد. در شکل دینی و مذهبی خود، در بافتی از پیش تعیین شده و مقدر، انگار جهان روزی به پایان می‌رسد و نیکان و شروران، هرکدام نتیجه اعمال و کردار خود را خواهنددید یا بشر پس از عبور از دوره‌های خونین و شیطانی، به عصری زرین و الهی نائل خواهدآمد. در کتب آسمانی و نیز شرح این کتب، به نشانه‌ها و مظاهر این پایان، فراوان اشاره شده‌است. اما در مفهوم غیردینی و مادی خود، آن‌گاه که فصلی از یک عصر ورق می‌خورد و آدمی در آستانه ورود به دوره جدیدی از تقویم تاریخی است، گویی هیجان‌ات و دلهره‌ها افزون می‌شود و در فضایی از ابهام و انتظار، بشر از قرن به قرن دیگر و یا از هزاره‌ای به هزاره دیگر قدم می‌گذارد و گاهی هم فراموش می‌کند که زمین پیر، میلیون‌ها سال صحنه‌های متنوعی از آمدن‌ها و رفتن‌ها را طی اعصاری دور نظاره‌گر بوده- است؛ نسبت تاریخی و تقویم ادواری، چیزی نیست مگر قراردادهای اجتماعی و تقسیمات

منظم بشری اما بایستی اذعان داشت که ترس از پایان تاریخ و بن بست تقویمی، ریشه در بن بست‌های معنوی و فکری انسان در حیات نه‌چندان طولانی خود بر پهنه این زمین خاکی دارد. همان بن بست‌ی که در ابتدای منظومه بیتس، از یک سو خبر از نافرمانی و عصیان‌گری و از سوی دیگر، آشوب و هلهله می‌دهد:

می‌چرخد و می‌چرخد و در چرخش بیکران / باز، بر فراز آسمان، دیگر صدای بازبان را هم نمی‌شنود؛ / همه چیز در هم فرومی‌ریزد؛ دیگر جهان را استواری نیست / گویی آشفستگی، سایه بر جهان افکنده / و امواج تیره‌خون بر ضیافت پاکان می‌تازد. ( Yeats, 2009: 186-187)

در ادامه شعر، به کلمات «ظهور» و «بازگشتی دیگر» برمی‌خوریم و شاعر از ظهوری خبر می‌دهد که در پیش است و نشانه‌هایی از آن را هم ارائه می‌نماید. نگاه به سال‌های زندگانی ویلیام باتلر بیتس، کاملاً روشن می‌سازد که شاعر از هیجان‌ات گذار از یک قرن به قرن دیگر مصون نبوده است و با قریحه شاعرانه خود، به وصف حال و احساسات درونی خود از این رویارویی تقویمی پرداخته است. لذا شعر، انعکاس ذهن بیتس در دهه ۱۸۹۰ میلادی است که تاریخ در آستانه تبدیل و تحویلی دیگر است. علاوه بر این، «بازگشت دیگر» در سال ۱۹۱۹ سروده شده است، یعنی بعد از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) و در ژمره آثار پساجنگی (Postwar) به حساب می‌آید که شکایت و شکوه‌ای است از تمدن فروپاشیده قرن که به شیوه تی. اس. الیوت در منظومه «سرزمین هرز» (۱۹۲۲)، به معرفی اضمحلال فرهنگ بشری در قرنی سرشار از خشونت و انحطاط می‌پردازد:

نیک‌سرشتان را آیین، بر باد رفته و / بدکاران را اشتیاق، دو چندان. (همان)

بند اول شعر بیتس، به‌طور کامل اشاره به تحویل قرن و نیز بی‌نظمی و تیره‌گونی دوران دارد. در متن انگلیسی شعر به کلمه «T gyre» به معنای «چرخش» و «دور» بر می‌خوریم که هم اشاره به چرخش پرنده باز بر فراز آسمان دارد و هم چرخش دور تاریخ را به ذهن متبادر می‌سازد. شاعر به کمک این واژه، به خوبی توانسته است حرکت موج‌وار پرنده و گردش ایام را به تصویر بکشد. در ادامه هم بلافاصله متذکر می‌شود که دیگر سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و دنیا را فروپاشی در بر گرفته است. عبارت «Things fall apart» که

بعدها عنوان رُمان معروف و شاهکار اصلی (Magnum opus) چینوا آچه (۱۹۳۰-۲۰۱۳ م)، داستان‌نویس شهیر نیجریه‌ای شد، حکایت از یک جهان پُرهرج‌ومرج دارد که غیر از آشفتگی، چیزی در آن یافت نمی‌شود. کلمات «Mere anarchy» خود دستاویزی برای هنرمندان و نویسندگان بعد شد تا وودی آلن (۱۹۳۵- م)، اثر گُمیک خود را با همین نام بنویسد اما «سفر» احمد شاملو به پایان تاریخ از منظری دیگر نگریسته‌است. شاعر با زبانی فاخر و درعین‌حال شبیه به متون کهن و مذهبی، رو به آسمان کرده‌است و می‌گوید:

خدای را/ مسجد من کجاست/ ای ناخدای من؟/ در کدامین جزیره آن آبگیر ایمن است/  
که راهش/ از هفت دریای بی‌زهار می‌گذرد؟ (شاملو، ۱۳۷۲: ۹)

مسافران کشتی این شعر، گویی میان مکان- تاریخ‌هایی مازگونه و هزارتو سرگردان شده‌اند و تصاویر و ایماژها، حکایت از معبری سخت و دوزخی و نیز گذاری از یک سرزمین به سرزمین دیگر دارند:

اما/ چندان که روز بی‌آفتاب/ به زردی نشست / از پس تنگابی کوتاه/ راه/ به دریایی دیگر  
بردیم/ که به پاکی/ گفتی/ زنگیان/ غم غربت را در کاسهٔ مرجانی آن گریسته‌اند و/ من  
اندوه ایشان را و/ تو اندوه مرا. (همان: ۱۵)

مسافران در جست‌وجوی مسجد و مأوایی امن میان گرداب‌ها و تنگناها، از این دریا به آن دریا سرگردان‌اند. اشاره به نوح پیامبر (ع) در شعر نیز از یک پایان تاریخی- دینی پرده برمی‌دارد. داستان نوح نبی و واقعهٔ طوفان نوح که طی آن زمین یک بار غرق و زیرورو گشت و دوباره بذر حیات بر آن پاشیده‌شد، از یک تجربهٔ بشری پایان تاریخ حکایت دارد: اما کدامین جزیره، کدامین جزیره، نوح من ای ناخدای من؟/ تو خود آیا جست‌وجوی جزیره را / از فراز کشتی / کبوتری پرواز می‌دهی؟/ یا به گونه‌ای دیگر؟ به راهی دیگر؟- که در این دریا بار/ همه چیزی/ به صداقت/ از آب/ تا مهتاب/ گسترده‌است / و نقرهٔ کدر فلس ماهیان/ در آب/ ماهی دیگر است/ در آسمانی/ باژگونه. (همان: ۱۶)

بنابراین، مقایسهٔ دو شعر شاملو و بیتس، به‌خوبی مضامین هزاره‌گرایی و پایان تاریخ را در ابعاد مختلف نشان می‌دهد. در یکی، به شکل نمادین در همان ابتدای شعر در تصویر و ایماژ پرنده و بازبان و در دیگری، در قالب سفر و حرکت میان بُرهه‌ها و مکان-زمان‌های



مختلف در پهنه «هفت دریای بی‌زنهار». ضمناً تلمیح مذهبی شعر شاملو به داستان نوح نبی (ع)، نقش پُررنگی را در ارائه مضمون هزاره‌گرایی در این شعر ایفا نموده‌است.

### ۳-۴- خشونت زبانی

هر دو شعر برای فضا سازی و ایجاد حسّ ترس و اضطراب، از خشونت زبانی و نیز تنافر آوایی (Cacophony) بهره برده‌اند. تنافر آوایی یا خشونت زبانی، برخلاف نغمگی (Euphony)، حالتی است که زبان زمخت و از لطافت آوایی آن کاسته می‌شود. چنین زبانی اگر هنرمندانه به کار رود، می‌تواند در انتقال محتوا و معنا به خواننده کمک بسیاری نماید؛ یعنی اینکه شکل هنری تنافر آوایی و خشونت زبانی، وقتی است که شاعر میان شکل و محتوا پیوند درستی را برقرار سازد. تنافر آوایی، گاهی سهوی و گاهی عمدی است. کاربرد سهوی آن، نشان از ضعف شاعر دارد، حال آنکه کاربرد عمدی آن اگر در راستای برجسته‌سازی معنا و محتوای اثر پیش رود، می‌تواند کارآمد هم باشد. (ر.ک: ایبرمز، ۱۳۸۴: ۱۰۷-۱۰۸) در شکل هنری خود، تنافر آوایی و خشونت زبانی درصدد ایجاد حس‌های خشم، ترس، لکنت زبان، درماندگی، ایستایی و رکود، تمسخر و... است؛ به عنوان مثال، در شعر «نی لبک خال مَخالی»، رابرت برانینگ (۱۸۸۹-۱۸۱۲ م) از تنافر آوایی برای برانگیختن تمسخر استفاده کرده‌است یا توماس هاردی (۱۹۲۸-۱۸۴۰ م) در شعر «من در تنبریس»، تنافر و خشونت آوایی را برای پدید آوردن حسّ سرسختی و طاقت‌فرسایی به کار برده‌است. نیز سیلویا پلاث (۱۹۶۳-۱۹۳۲ م) در شعر مشهور «بابا»، با استفاده از تکنیک تنافر آوایی حتی توانسته به شکل استادانه‌ای حسّ لکنتِ زبان و قُفل شدن فک را در خواننده ایجاد نماید. بنابراین، شاعران چیره‌دست، فراخور مضمون و فضای شعری خود، توانسته‌اند با به‌کاربردن آواها و هجاهای خاص و نیز چیدمان دقیق واژه‌ها و عبارات، مفاهیم مورد نظر خود را به خواننده القا نمایند.

در شعر «سفر»، شاملو واژگانی را به کار برده‌است که از حیث معنا و شکل، دارای تنافر آوایی و خشونت کلامی هستند. شاعر با استفاده از چنین کلماتی، خواسته خواننده را در فضایی تیره و ترسناک قرار دهد و حسّ وحشت را در وی برانگیزد. برخی از این واژگان و ترکیب‌ها عبارت‌اند از: تنگابی پیچاپیچ، تنگه سنگی، هوای گنبدیده طاعونی،

دریای پوسیده، نیزه‌های شکن‌شکن تُندر، گرداب‌های هول، خرسنگ‌های تفته، غُرَاغُر دکل‌های بلند. (شاملو، ۱۳۷۲: ۱۰-۱۴) بی‌شک شاعر توانسته‌است به شیوه هنرمندانه‌ای با بهره‌جویی از خشونت کلامی، هم فضای خشن و دلهره‌آوری را به تصویر بکشد و هم این فضا را به‌خوبی به خواننده خود منتقل نماید.

بیتس نیز در شعر «بازگشت دیگر»، در ترسیم فضایی دهشتناک و غریب، ترکیبات و عباراتی سرشار از خشونت کلامی و تنافر آوایی خلق کرده‌است. برای درک بهتر این واژه‌های زمخت و خشن، بهتر است به متن انگلیسی توجه شود، زیرا آواهای به‌کاررفته در کلمات و نیز هم‌نشینی آنها در متن انگلیسی، حکایت از فرجامی مخوف دارد:

blood- dimmed tide (امواج تیره‌خون)

the worst/ are full of passionate intensity (بدکاران را اشتیاق، دو چندان ...)

A gaze blank and pitiless as the sun (و چشمانی خیره، بی‌وقار و بی‌رحم ...)

Strong sleep/ were vexed to nightmare (خواب سنگین، کابوسی خواهد شد

(Yeats, 2009: 186-187). (...)

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که هر دو شاعر، برای انتقال حس ترس و دلهره در خواننده و نیز ترسیم فضایی موهوم، ترکیبات و واژگانی را انتخاب کرده‌اند که در بافت خود، خشونت زبانی را دربردارد و این، خود یکی از ویژگی‌های زبانی و لفظی مهم آثار آپوکالیپسی و اشعار آخرالزمانی است.

#### ۴- نتیجه‌گیری

احمد شاملو و ویلیام باتلر بیتس، هر دو به ملت‌هایی تعلق دارند که تاریخ‌های پُرفرازونشینی را از سر گذرانده‌اند و پیروزی و شکست در راه تحقق آرمان‌های اجتماعی و فردی و نیز تبلور هستی آدمی را که گاه پیروز می‌شود و گاه شکست می‌خورد، به تصویر کشیده‌اند. شعر آپوکالیپسی یا آخرالزمانی به روایت دیگر، بازتاب کهن‌الگویی (Archetype) است که پرده از معمای هستی و بودن برمی‌دارد و شاید در پی کشف معنای زیستن، برای تاریخ ابتدا و انتهای قائل می‌شود. هریک از مؤلفه‌های مورد بررسی در این پژوهش، راه را بر این

معمایهای نهفته ذهن بشری گشوده‌اند و در بستری از کشف، هشدار، نمایش پایان تاریخ و تجسم مولود شیطان، جلوه اساطیری-دینی-کهن‌الگویی ادبیات را به تصویر کشیده‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از مکتب آمریکایی در مطالعات ادبیات تطبیقی، بر دو الگوی شاخص این مکتب تأکید داشت: ۱. بررسی گونه‌های ادبی و ژانرها (ادبیات آپوکالیپسی)؛ ۲. بررسی درون‌مایه‌ها و طرح‌ها (مؤلفه‌های ادبیات آپوکالیپسی). در این مکتب، تأثیر و تأثر یگانه شیوه سنجش و قیاس متون ادبی نیست و دامنه مطالعات تطبیقی می‌تواند به نحوه برخورد و رویارویی شاعران و نویسندگان با گونه‌های ادبی و مؤلفه‌های مستتر در آنها کشیده‌شود. در این پژوهش، کوشش شد تا با تکیه بر دو نمونه برتر شعری شاملو و بیتس، هم به واکاوی ژانر آپوکالیپسی در ادبیات فارسی و ادبیات انگلیسی پرداخته‌شود و هم رویکرد و نحوه نگاه این دو شاعر به چنین نوع ادبی و مؤلفه‌های مستتر در آن آشکار گردد. لذا، می‌توان نتیجه گرفت که گونه ادبیات آپوکالیپسی، گونه‌ای جهانی با وجوه مشترک بسیاری است؛ شاعران و نویسندگان فارغ از تأثیر و تأثر مستقیم از هم، به این نوع ادبی علاقه نشان داده‌اند و شیوه پرداخت شاعران به این نوع ادبی، براساس سنت، فرهنگ، و مذهب آنهاست. بنابراین، مکاشفه و اندریافت شاعرانه، پیشگویی و هشدار، هزاره‌گرایی و پایان تاریخ و خشونت زبانی که در زمره درون‌مایه‌ها و طرح‌های مهم ادبیات آپوکالیپسی است، دریچه‌ای نو بر نگاه و اندیشه دو شاعر مطرح ادبیات فارسی و ادبیات انگلیسی گشوده‌است.

### فهرست منابع

- آصف آگاه، سید حسن. (۱۳۸۶). «موعود و آخرالزمان در دین زرتشتی». *مجله شرق موعود*. سال اول، شماره ۳، صص ۱۶۳-۱۸۰.
- استوال، کنراد. (۱۳۸۵). «پنداره پایانی: آخرالزمان‌های ناسوتی در فیلم های اخیر هالیوودی». *مجله آدینه*. شماره ۱، صص ۱۱۶-۱۲۵.
- افلاطون. (۱۳۹۳). *پنج رساله*. ترجمه محمود صناعتی. تهران: هرمس.

- اکبری بیرق، حسن و سنایی، نرگس. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی شعر و اندیشه تی. اس. الیوت و احمد شاملو براساس مؤلفه‌های مدرنیته». **پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی**. دوره ۳، شماره ۴، صص ۴۳-۶۶.
- ایرمز، می‌یر هاوارد. (۱۳۸۴). **فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی**. ترجمه سعید سبزیان. تهران: رهنما.
- برنجکار، رضا و امیری، محمدمقداد. (۱۳۸۹). «پیشگویی رجعت در آخرالزمان در تورات، انجیل، و قرآن». **فلسفه دین**. سال هفتم، شماره ۲، صص ۹۵-۱۳۱.
- پیامی، ملیحه و منیری، حجت‌الله. (۱۳۹۱). «جلوه اندیشه‌های فلسفی در شعر شاملو». **مجله حافظ**. شماره ۹۴، صص ۵۴-۵۸.
- تالبوت، مایکل. (۱۳۹۲). **عرفان و فیزیک جدید**. ترجمه محبتی عبدالله‌نژاد. تهران: هرمس.
- حقوقی، محمد. (۱۳۹۲). **شعر زمان ما: احمد شاملو**. چاپ سیزدهم. تهران: نگاه.
- حیدریان شهری، احمدرضا. (۱۳۹۲). «رویکردی تطبیقی به بینش فرجام‌شناسانه شعر بدر شاکر السیاب و فروغ فرخزاد». **زبان و ادبیات عربی**. شماره ۸، صص ۵۹-۸۳.
- دیچز، دیوید. (۱۳۷۳). **شیوه‌های نقد ادبی**. ترجمه دکتر غلامحسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی. تهران: انتشارات علمی.
- ذوالفقارخانی، مسلم. (۱۳۹۳). **مکتب رمانتیسم**. مشهد: آهنگ قلم.
- راشد محصل، محمدتقی. (۱۳۶۴). «پایان جهان بر پایه چند متن زردشتی». **چیستا**. شماره ۲۴، صص ۲۴۹-۲۵۷.
- رسول‌زاده، عباس. (۱۳۸۹). «آخرالزمان و حیات اخروی در یهودیت و مسیحیت». **معرفت ادیان**. سال اول، شماره ۲، صص ۶۷-۹۶.
- سعیدپور، سعید. (۱۳۷۵). «ویلیام بلیک شاعر و نقاش رسالت و پیشگویی». **مجله هنر**. شماره ۳۰، صص ۵۶۷-۵۷۰.
- سلیمیان، خدامراد. (۱۳۸۱). «آخرالزمان در فرهنگ مهدویت». **مبلغان**. شماره ۳۸، صص ۷۱-۷۹.
- شاملو، احمد. (۱۳۷۲). **ققنوس در باران**. چاپ پنجم. تهران: زمانه و نگاه.

- علایی، مشیت. (۱۳۸۷). «ظلمات سرد جهان: نگاهی به مدایح بی‌صله احمد شاملو». **اندیشه و هنر**. شماره ۱۳ و ۱۴، صص ۱۲۳-۱۳۱.
- گرجی، مصطفی. (۱۳۸۴). «مکاشفه‌های پیشگویانه (Apocalyptic) هشت کتاب سهراب سپهری». **پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی**. شماره ۵، صص ۶۵-۸۴.
- گوژوال، گئی. (۱۳۷۴). «آخرالزمان به روایت ویلیام بلیک». ترجمه مهدی لیاقت. **مشرق** (ویژه‌نامه ادبیات). صص ۱۹۷-۲۰۰.
- محمدزاده صدیق، حسین. (۱۳۵۶). **مقدمه‌ای بر فلسفه تکاملی طبیعت و جامعه**. تهران: ققنوس.
- محمدی، ابراهیم. (۱۳۹۲). «اسطوره‌شناسی و اسطوره‌سازی رمانتیک در شعر احمد شاملو». **ادب پژوهی**. شماره ۲۴، صص ۱۰۵-۱۲۸.
- ناس، جان. بی. (۱۳۷۳). **تاریخ جامع ادیان**. ترجمه علی‌اصغر حکمت. تهران: علمی و فرهنگی.
- وهمن، فریدون. (۱۳۷۸). «اسطوره برخاستن ضحاک از بند خود و پایان جهان». **ایران‌شناسی**. سال یازدهم، شماره ۴۳، صص ۵۸۶-۵۹۳.
- یخدان‌ساز، نازیلا و علیزاده خیاط، ناصر. (۱۳۹۳). «کاربست اشکال هنجارگریزی در اشعار احمد شاملو». **ادبیات پارسی معاصر**. شماره ۱، صص ۱۰۵-۱۲۲.
- **منابع انگلیسی**
- Collins, J. J. (2014). **The Oxford Handbook of Apocalyptic Literature**. Oxford University Press: Oxford.
  - Jost, F. (1974). **Introduction to Comparative Literature**. Pegasus: Indianapolis and New York.
  - Ross, D. A. (2009). **Critical Companion to William Butler Yeats**. New York: Facts on File.
  - Shakespeare, W. (2003-1600). **A Midsummer Night's Dream**. Cambridge: Cambridge University Press.
  - Thomas, D. (2012). **The World's Poetry Archive**. PoemHunter.com.
  - Yeats, W. B. (2009- 1889 to 1939). **The Collected Poems**. Cambridge University Press: Cambridge.